

چون میتوان بمدرسه خفتن بس قصر سنمارو خورنق چیست  
 سروازچه روضه است چنان آزاد وان سر بزیر بید معلق چیست  
 وان چشم مست مام وطن عبرت بر سهو و عمد های محقق چیست  
 حسین کسمائی متخلص بعبرت

### ( مضامین مغربی و الفاظ مشرقی « پارسی » )

غزل ذیل ترجمه یکی از غزلیات آقای موسیو ایلیکان رئیس  
 کل تفتیش وزارت معارف و نگارنده مقالات سیاسی روزنامه شریفه  
 رعد است . اصل غزل بزبان ارمنی است و از زبان ارمنی بفرانسه  
 و از فرانسه بفارسی ترجمه شده و عین همان مضامین را نگارنده  
 ارمغان بسبک پارسی منظوم داشته .

#### غزل

هوا از بس لطیف است ایمه من بیگمان امشب  
 شده مهمان تابستان زمستان ناگهان امشب  
 روان است ابرو تو بر توی وی دزدیده و پنهان  
 نظر بازی است کار اختران آسمان امشب  
 اجازت ده ز مهرای گرم تابستان که جان من  
 دمی پیش آیدت دم سرد همچون مهرگان امشب  
 غنیمت دان که یکدم اختران از روی ما  
 بهم چشمک زتد از دور تنها و نهان امشب  
 عزیز من دریغ از من مکن وصل و نظربازی  
 بتابستان زمستان را چو دیدی میهمان امشب

بهل تا این شب عشق و محبت را پس برده

پیوشد ابر غم از چشم بد بین جهان امشب

«منتخبات ادبی» «پرهیز از ناکسان»

### فردوسی

سر ناکسان را بر افراشتن      وز ایشان امید بهی داشتن

سر رشته خویش گم کردن است      بجیب اندرون مار پرورن است

### نظامی

گوهر پاک را ز عقد مریز      وانکه بد گوهر است از او بگریز

بد گوهر با کسی وفا نکند      اصل بد در خطا خطا نکند

اصل بد باتو چون شود معطی      نشیدی که اصل لا یخطی

### سعدی

گنه نبود و عبادت نبود و بر سر خلق      نوشته بود که این مقبل است و آن مردود

نصیب دوزخ اگر طلق بر خود انداید      چنان در او جهد آتش که چو بوقت اندود

نه ز نیک عاریتی بود در دل فرعون      که صیقل ید و بیضا سیاهیش افزود

### گلشن ایران پور اصفهانی

تا توانی ز سفله گان بگریز      که نیاید ز سفله گان مردی

سفله را امتحان مکن بکرم      که نداده است امتحان مردی

ای بسا زن که گاه بخشش و جود      در نظر ها کند عیان مردی

وای بسا مرد کز لثامت طبع      کند از مردمان نهان مردی

نیک در کار هر دو چون نگری      کند این یک زنی و آن مردی